

شادی گمشده

■ منیره پورطاهری، آموزگار پایه اول، دبستان دخترانه دوره اول، ناحیه ۱

برای آموزش بچه ها چه برنامه هایی دارید؟

کلاس های درسی به چه صورت است؟

آیا علاوه بر کتاب های درسی، کتاب دیگری نیز با بچه ها کار می شود؟

این ها پرسش هایی است که اغلب والدین هنگام مراجعه برای ثبت نام دانش آموزان از کادر آموزشی می پرسند. در پایه های بالاتر سؤالات حول کلاس های تست و برنامه های مدرسه برای قبولی دانش آموزان در مدارس خاص می باشد و اکنون، در شرایط سیطره ویروس کرونا و مجازی بودن آموزش سؤالات زیر مطرح می شود:

چرا در زمان آموزش مجازی، بچه ها کلاس فوق برنامه دارند؟

آیا شرکت در دروس فوق برنامه مثل قصه گویی اجباری است؟

به ندرت، حتی می توان گفت هرگز، از برنامه های مدرسه برای سرگرمی و شادی کودکان سؤال نمی شود. از سویی دیگر کادر آموزش و معلمان در برنامه ریزی برای شروع سال تحصیلی بیش ترین توجه خود را معطوف به بهبود شیوه های تدریس، آماده سازی بهترین کاربرگ ها و انتخاب بهترین زمان برگزاری کلاس های درس برای یادگیری هر چه بیش تر دروس می کنند.

تجربه زیسته من به عنوان یک معلم بیش تر شامل برنامه های آموزشی حجیم، مقوله تکلیف شب و تأکید مضاعف نظام آموزشی و خانواده ها بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. صد البته که برخورداری

از بهترین شیوه آموزش از حقوق همه کودکان است و بهره مندی از این حق، تأثیر زیادی بر آینده آنان دارد. اما در این میان حق شادی کودکان چه می شود؟

حقوق بشر به عنوان یک رویکرد جهانی دارای ابعاد مختلفی است که به طور مشخص حقوق کودکان و از جمله «حق بر شادی» کودکان پرداخته است.

حق بر شادی کودکان یکی از جلوه های مهم حقوق بشر در دوران معاصر به شمار می رود. بنابراین پرداختن به این مهم معقول و ضروری است اما متأسفانه همواره مغفول مانده و مورد بی مهری قرار گرفته است.

حق بر شادی برای کودکان به عنوان پدران و مادران آینده، مدیران و معلمان فردا و سازندگان جامعه فردا، از حقوق مسلم است. شادی و نشاط لازمه رشد شخصیت کودکان است. کودک به نشاط، شاد بودن و رشد روانی نیاز دارد.

حال سؤال این است که مهم ترین راهکار برای تحقق حق بر شادی کودکان به ویژه در محیط های آموزشی چیست؟ با توجه به شرایط حال حاضر و آموزش مجازی چگونه می توان حق بر شادی کودکان را در این فضا محقق ساخت؟ مراکز آموزشی ما، نه در قالب مادی و ثبت نام اجباری در برنامه های کوتاه مدت، بلکه برنامه های طولانی مدت، هدفمند و سالیانه برای شادی و نشاط دانش آموزان چه کرده اند؟ البته شایسته نیست که از برخی برنامه های خوب در سطح مدارس در قالب جشنواره ها، تشویق کودکان و مراسم گوناگون غافل شویم. اما آیا باید به همین بسنده کرد؟

آن چه مسلم است مدرسه، به عنوان نهادی که پس از خانواده بیش ترین اهمیت و تأثیر را در پرورش و اعتلای شخصیت آینده سازان کشور دارد، باید بیش ترین توان خود را صرف تحقق حق بر شادی کودکان کند. بی شک چنان چه این امر صورت پذیرد آموزش و یادگیری کودکان نیز به شیوه ای مثبت

۱. ماده ۳۱ پیمان نامه حقوق کودک

تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بر طبق ماده ۲۸ منشور ملی حقوق دانش آموزان (فصل سوم، حقوق ضمن آموزشی دانش آموزان) «دانش آموزان دارای حق شادی و شاد بودن مطالب آموزشی و اجرای تنوع و شادی بخش آن ها می باشند.» با توجه به این موضوع به نظر می رسد نخستین گام در رسیدن به این مهم، افزایش آگاهی والدین و نیز متولیان آموزش در مدارس از حق بر شادی کودکان است.

والدین باید آگاه شوند که تنها راه خوش بختی و موفقیت فرزندشان یادگیری بیش تر مطالب درسی، قبولی در آزمون ورودی مدارس خاص و یا کسب رتبه در المپیاد های درسی نیست. شناخت علایق کودک و کمک به او برای گام نهادن در مسیر پرورش استعداد هایش، می تواند باعث رشد و پرورش کودکی شاد و به تبع آن جامعه ای پر نشاط شود.

از سویی دیگر نظام آموزش باید به سمت تغییر شیوه های آموزشی جهت شادتر کردن آن ها، شاداب سازی فضاهای آموزشی، برنامه ریزی های بلندمدت جهت نهادینه کردن شادی و نشاط در مدارس و گنجاندن محتواهای آموزشی با محوریت شاد زیستن در کتب درسی پیش برود. امید که حق بر شادی کودکان، به عنوان یکی از زیربنایی ترین نیازهای کودکان برای تحول و رشد بهینه بیش تر مورد توجه والدین و متولیان آموزش قرار گیرد.

سخن آخر این که برای شادی کودکانمان باید وارد دنیای آنان شویم و برای ورود به این دنیا گاهی باید آگاهی های خود را فراموش کنیم و با نا آگاهی های آنان همراه شویم.

به قول مولانا: چون که با کودک سر و کارت فتاد / هم زبان کودکی باید گشاد
کودکان خالق زیباترین احساس ها و عشق ها هستند و شور و شوق زندگی بزرگ ترها بسته به احساس آن هاست. شادی راز کودکان مان دریغ نکنیم. ■

